

بررسی تطبیقی کتاب‌های برگزیده کودکان و نوجوانان و آیین‌نامه‌های ارزیابی کتاب (۱۳۹۰-۱۳۰۰)

ناصر نیکوبخت^۱

سمیه رضایی (نویسنده مسوول)^۲

چکیده

سالانه کتاب‌های بسیاری برای کودکان و نوجوانان نوشته و منتشر می‌شود. بعضی از مؤسسات و سازمان‌ها که در زمینه کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنند، در طی برگزاری جشنواره‌هایی و براساس معیارهای مندرج در آیین‌نامه‌های مربوط، به ارزیابی این آثار می‌پردازند و نهایتاً شماری از آن‌ها را انتخاب و به‌عنوان «آثار برگزیده» به جامعه ادبی معرفی می‌کنند. این کتاب‌های برگزیده، از سوی والدین، مربیان، معلمان و کسانی که به‌نوعی با آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در پیوند هستند، به‌عنوان آثاری مناسب و قابل‌اعتماد تهیه می‌شود و در اختیار کودکان و نوجوانان این مملکت قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت و نقش این کتاب‌ها در آموزش و تربیت کودک و نوجوان، هدف پژوهش حاضر، بررسی آیین‌نامه‌ها و معیارهای داوران جشنواره‌های مذکور و کتاب‌های برگزیده این جشنواره‌ها و سرانجام، روشن‌ساختن هم‌خوانی یا عدم هم‌خوانی این آثار با معیارهای مدنظر است. داده‌های لازم این مقاله به روش کتاب‌خانه‌ای فراهم آمده و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری، کتاب‌های برگزیده کودکان و نمونه آماری، ۱۰۰ اثر از میان کتاب‌های برگزیده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: کودکان و نوجوانان، کتاب‌های داستان، جشنواره‌های کتاب، کتاب‌های برگزیده

^۱استاد دانشگاه تربیت مدرس

^۲استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران: ایران somayehrezaee@ymail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

در تاریخ و سنت ما، دوران کودکی و نوجوانی چندان به رسمیت شناخته‌نشده و اغلب، دوران گذار یا پلی تصور شده‌است که شخص را به بزرگ‌سالی می‌رساند؛ به همین دلیل تا عصر مشروطه، ادبیات کودک و نوجوان در ایران، استقلالی نداشته‌است. البته با گذشت یک سده از عصر مشروطه و با وجود همهٔ تلاش‌های چند دههٔ اخیر در این عرصه، هنوز ادبیات کودک در ایران، دوران رشد و نمو خود را سپری می‌کند.

از دههٔ چهل به این سو، اقدامات مؤثری در این حوزه صورت گرفته که از جملهٔ آن‌ها، تأسیس نهادها و مؤسساتی در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان است. در سال ۱۳۴۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پای به عرصهٔ وجود نهاد. در سال ۱۳۴۷ فرشید مثقالی با نقاشی‌های خود در ماهی سیاه کوچولو، جایزهٔ بولونیا را از آن خود کرد. اختصاص جایزهٔ ادبی به اثر برگزیدهٔ سال، یکی از رویدادهای دههٔ ۵۰ به شمار می‌آید. دگرگونی‌های اجتماعی بهمن ۵۷ برای مدتی وقفه‌ای در این روند به وجود آورد؛ اما در سال ۱۳۶۲، جوایز ادبی گوناگونی، از جمله جایزهٔ کتاب جمهوری اسلامی ایران، اهدا شد و جشنواره‌های کانون پرورش فکری برگزار گردید. تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در سال ۱۳۷۷، نقطهٔ عطفی در این زمینه محسوب می‌شود و تأسیس انجمن تصویرگران کتاب کودک در سال ۱۳۸۲، از پیامدهای آن به شمار می‌آید. و ... (قرل ایاغ، ۱۳۹۳، ۱۰۳-۱۲۵).

یکی از فعالیت‌ها و دغدغه‌های برخی از مؤسسات مربوط به ادبیات کودکان و نوجوانان، بررسی و ارزیابی کتاب‌های منتشر شده برای کودکان و نوجوانان و انتخاب آثار برتر در این حوزه است. به همین منظور، در این مؤسسات، کتاب‌های منتشرشده بررسی و بهترین آن‌ها براساس معیارهای تعیین‌شدهٔ جشنواره‌ها، انتخاب و به جامعهٔ ادبی معرفی می‌شوند. این کتاب‌ها که نویسندگان‌شان در جشنواره‌های مذکور به‌عنوان صاحبان آثار برتر معرفی می‌گردند، معمولاً خوانندگان بیشتری دارند.

با توجه به اهمیت و نقش کتاب‌های برگزیدهٔ جشنواره‌ها در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان این آب و خاک، هدف (اهداف) پژوهش حاضر عبارت است از: بررسی معیارهای ارزیابی جشنواره‌ها، بررسی تحلیلی کتاب‌های برگزیدهٔ کودکان و مقایسه و انطباق معیارهای مندرج در آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های جشنواره‌های مدنظر با ویژگی‌ها و قابلیت‌های کتاب‌های انتخاب‌شده.

ادبیات و پیشینه پژوهش

پیش از این که به بررسی و تحلیل کتاب‌های کودکان و انطباق آنها با شیوه نامه‌های جشنواره‌ها پرداخته شود، در اینجا به معرفی مهم‌ترین معیارهای جشنواره‌ها در ارزیابی کتاب کودکان پرداخته خواهد شد.

۱. سبک و زبان

یکی از معیارهای نقد کتاب در هر حوزه‌ای، بررسی کتاب براساس سبک و زبان نوشته است. انتخاب زبان و چگونگی به‌کارگیری آن، خصوصاً در ادبیات کودک، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است؛ چنان که در نظریه خواننده درون متن، یکی از مؤلفه‌هایی که کودک را به کتاب دعوت می‌کند و خواننده درون متن را ایجاد می‌نماید، مؤلفه سبک می‌باشد که یکی از جوانب آن، نحوه به‌کارگیری زبان است. در این نظریه، «سبک عبارت است از نوع استفاده نویسنده از تصویرهای ذهنی، ارجاع‌های آگاهانه و ناآگاهانه وی و نیز فرضیه‌هایی که نویسنده از ادراک بی‌واسطه خواننده در ذهن خویش می‌سازد. غیر از این سبک، نگرش نویسنده به باورها، رسم‌ها و شخصیت‌های روایت را نیز در بر می‌گیرد و همه این‌ها به‌وسیله شیوه‌ای که نویسنده درباره‌شان می‌نویسند، آشکار می‌شود. (خسرونژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

۲. مخاطب‌مداری

از دیگر ملاک‌های ارزیابی کتاب کودک و نوجوان، مخاطب‌مداری است. مخاطب‌مداری به معنای توجه به علایق و نیازهای مخاطبانی است که کودک و نوجوان‌اند. مهم‌ترین نیاز ادبیات کودک و نوجوان، شناخت دقیق مخاطب، نیازها و سلیق او است. بسیاری از کتاب‌های کودک و نوجوان، امروز بدون توجه به سلیق مخاطب و نیاز آنان منتشر می‌شوند و بیشتر با حال و هوای نویسندگان، مترجمان، ناشران و سیاست‌گذاران فرهنگی تهیه می‌گردند که با سلیق کودکان و نوجوانان فاصله دارد (حجوانی، ۱۳۷۹).

در کتاب‌هایی که خواننده نهفته آن‌ها، کودک است، نویسندگان تمایل دارند این رابطه را با انتخاب زاویه دیدی به‌شدت متمرکز در خود ثانوی خویش، تحکیم بخشند. آن‌ها دوست دارند این تمرکز را با قراردادن کودک در مرکز داستان، به دست آورند؛ کودکی که با گذر از هستی اوست که همه چیز، دیده و احساس می‌شود. هم‌تراز با آفرینش خواننده نهفته و نیز نیاز نویسنده به جذب کودک خواننده، محدود کردن کانون توجه به زاویه دید کودک، به نویسنده کمک می‌کند تا حضور خود دوم خویش را در کتاب، در میدان ادراکی کودک خواننده، حفظ کند. از طرف دیگر، کودک نیز، که نویسنده نهفته در کتاب را می‌یابد؛ نویسنده‌ای که می‌توان با او دوست شد؛ زیرا از تبار کودکی است، به درون کتاب جذب می‌شود. او تصویر خواننده کودک نهفته در متن را می‌پذیرد و

_____ بررسی تطبیقی کتاب‌های برگزیدهٔ کودکان و نوجوانان ...

پس از آن، می‌خواهد و حتی آرزومی‌کند که خود را به نویسندهٔ کتاب بسپارد و به دنبال آن‌چه تجربهٔ کتاب پیشنهادمی‌دهد، حرکت‌کند (همان منبع).

از نظر کارشناسان تصویرسازی نیز مخاطب اهمیت دارد؛ اما آن‌ها بر این باورند «که تصویرسازی صرفاً براساس نظر مخاطب و در جهت خوشایند او چندان صحیح نیست و باید تصویرسازی‌ها به‌گونه‌ای باشد که موجب بالا رفتن سطح سواد بصری و بینش مخاطب شوند» (زین‌العابدینی، ۱۳۹۴).

سیدآبادی معتقد است که متن مستقل از مخاطب نیست؛ بلکه ابزاری است که مؤلف در اختیار می‌گیرد تا پیامش را به مخاطب منتقل‌کند. «در انتقال پیام به مخاطب، ویژگی‌ها، خواسته‌ها، توانایی‌ها و ناتوانی‌های مخاطب در ساخت پیام مؤثر است» (بی‌تا: ۱۳).

۳. تصویرگری

در کتاب‌های کودکان، می‌توان برای تصویرگری، ارزشی هم‌سنگ متن و گاهی حتی بیشتر از آن قائل‌شد (خصوصاً برای خردسالان)؛ اگرچه این پژوهش به بررسی متن، خصوصاً متن در ادبیات داستانی کودکانه، می‌پردازد.

۴. محتوا

یکی از معیارهای نقد و ارزیابی کتاب، نوآوری و بدعت در پرداخت است؛ اگرچه هیچ موضوعی نیست که تاکنون طبع‌آزمایی نشده‌باشد. مسئله، «چگونه‌گفتن» است و این‌که نویسنده با چه زاویه‌ای به موضوع نگریسته و دنیای داستانی خود را خلق کرده‌است.

۵. تعلیم‌مداری

«هر داستان، به این تعبیر، رؤیای بیداری ماست و همچون رؤیا، درست در مرز فروریختن خودآگاه و ناخودآگاه (لذت و واقعیت) زاده‌می‌شود و زمانی که ما نیز همچون یک خواننده با آن همراه‌می‌شویم و قدم در بازی آن می‌نهیم، به‌آرامی و به‌تناسب درگیری‌مان در بازی متن، خود را به مرز - به همان جایی که لذت از واقعیت و ناخودآگاه از خودآگاه تمییز داده‌ نمی‌شود - نزدیک و نزدیک‌تر می‌بینیم و از همین‌رو نیز هست که در پایان خواندن، دیگر آنی نیستیم که در آغاز بودیم» (خسرونژاد، ۱۳۸۳: ۲۱۷ - ۲۱۹).

دربارهٔ جشنواره‌ها و نویسندگان و آثار برگزیده، در بانک‌های اطلاعاتی مقالاتی دیده‌می‌شود. این مقاله‌ها بیشتر به شرح زوایای جشنواره‌ها می‌پردازند و حالتی گزارش‌گونه دارند؛ برای مثال، طهوری (۱۳۸۴) در «گزارش یازدهمین جشنوارهٔ کتاب کودک و نوجوان کانون...»، ابعاد مختلف این جشنواره را شرح داده‌است. در مجموعه‌مقالات «نمای نزدیک» نیز آثار برترین‌های جشنواره و نویسندگان این آثار، معرفی اجمالی شده‌اند؛ اما به‌ندرت به بررسی تحلیلی آثار برگزیده پرداخته‌شده‌است؛ برای نمونه، کشاورز (۱۳۷۸) در «نقد و بررسی تصاویر متن و جلد کتاب‌های

برگزیده هفتمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودک و نوجوان» این آثار را مورد کندوکاو قرار داده است و ... بررسی‌های ما نشان داد که تاکنون پژوهشی درباره معیارهای جشنواره‌ها و میزان انطباق این معیارها با آثار منتخب، منتشر نشده است.

روش پژوهش

این مقاله، یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است. داده‌های لازم به روش کتابخانه‌ای فراهم آمده و تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی-کمی انجام شده است. جامعه آماری، کتاب‌های برگزیده کودکان و است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده است؛ توضیح این‌که ابتدا مشخصات کتاب‌شناسی ۲۴۸۱ اثر بررسی شده، پس از آن ۱۰۰ اثر از میان کتاب‌های برگزیده به‌طور تصادفی انتخاب و مطالعه شده است. به‌علاوه، آیین‌نامه جشنواره‌های کودک و نوجوان جمع‌آوری و در مرحله بعد، معیارهای غالب و تکرار شونده در همه جشنواره‌ها استخراج گردید و در نهایت، معیار جشنواره‌ها با شواهد موجود در کتاب‌های برگزیده مقایسه شده است.

یافته‌های پژوهش

نویسنده کتاب «برگ‌های ماندگار»، آثاری را که در جشنواره‌ها برگزیده شده‌اند، طی بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۰۰ در این مجموعه گردآوری کرده است. این کتاب مشتمل بر مشخصات کتاب‌شناسی ۲۴۸۱ کتاب است که مفتخر به کسب جوایزی به‌دلیل ترجمه، تصویر، شعر، ویرایش، ناشر، گردآوری و تحقیق، شده‌اند. بسامد هریک از موجبات کسب جایزه در نمودار زیر نشان داده می‌شود:



نمودار بالا نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از کتاب‌های مدنظر، متن فارسی (۱۰۰۰ متن) و شمار زیادی از آن‌ها، داستان هستند و در نتیجه، در جشنواره‌ها آثار داستانی بیشتر مطرح نظر داوران جشنواره‌ها بوده‌اند. در مرتبهٔ دوم نیز کتاب‌های ترجمه (۵۵۴ اثر) قرار دارند که اتفاقاً بیشتر این کتاب‌ها نیز آثاری داستانی‌اند. پس از آن، تصاویر (۵۵۰ اثر) سومین رتبه را دارند و شعر (۱۸۶ اثر) در جایگاهی پایین‌تر از مابقی قرار دارد؛ شاید به این دلیل که «ما با بازاری طرف هستیم که تولید شعر بسیار هزینه‌برتر از تولید داستان است؛ زیرا ناشر به دنبال پرداخت هزینه کم‌تر است و در نتیجه، تولید ترجمه، آسان‌تر از تالیف است. ... وقتی به این جا می‌رسیم، باید به یک مثلث متحد از ناشر و پدیدآورنده و سیاست‌گذاران فرهنگی برسیم؛ تا آن‌چه را داریم از دست ندهیم و به این بار فرهنگی بیفزاییم» (رحمان دوست، ۱۳۸۷: ۹۸؛ به نقل از ثانی، ۱۳۸۷). در این میان، ویرایش، ناشر، گردآوری و تحقیق، جایگاهی ندارند و تنها چند اثر با توجه به این موارد به جوایزی دست یافته‌اند.

اینک به بررسی معیارهای جشنواره‌ها و تحلیل آثار برگزیدهٔ کودک و نوجوان پرداخته می‌شود:

۱. سبک و زبان

در شیوه‌نامهٔ جشنواره‌ها ذکر شده است که زبان اثر باید روان و رسا و مناسب محتوا و سطح سواد مخاطب باشد. بسیاری از کتاب‌های برگزیده، زبانی ساده و روان و مناسب با محتوا و مخاطب دارند؛ اما بعضی از آن‌ها به دلیل اشکالات زبانی یا جملات بلند، قابلیت اقناع مخاطب را ندارند؛ برای مثال، در کتاب «مرد آوازخوان» که از نظر تصویر برگزیده شده است، جملات بلند، برای کودک مخاطب مناسب نیست: «آن شب هم پنجره اتاق باز بود و هم آقای خواننده مثل همیشه دهانش توی خواب بازمانده بود که یک دفعه یک خاریشت کوچک، دنبال یک جای امن، یک سوراخ مناسب قد و قواره‌اش، از پنجره تو آمد و وارد دهان مرد آوازخوان شد» (حدادی، ۱۳۸۴: ۴). در بعضی از این کتاب‌ها، علاوه بر متن ساده و روان، آهنگین بودن برخی از جملات باعث جذابیت کتاب برای کودک می‌شود.

یکی دیگر از معیارهای جشنواره‌ها این است که خواندن اثر به افزایش دایرهٔ واژگان کودک کمک کند. «کودکی که در ۲ سالگی ۲۰۰ کلمه در گنجینهٔ زبانی دارد، در ۶ سالگی ۱۰۰۰۰ کلمه را فرامی‌گیرد؛ یعنی تقریباً هر روز ۵ کلمهٔ جدید می‌آموزد. پژوهشگران دریافته‌اند که کودکان با یک مواجهه کوتاه با یک کلمهٔ جدید می‌توانند به مفهوم زیرساختی آن پی ببرند؛ فرایندی که بازنمایی سریع نامیده می‌شود» (برک، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۰۲). بنابراین، کتاب می‌تواند در سرعت روند ارتقای کیفی و کمی این دایرهٔ واژگانی، سهم بسزایی داشته باشد.

استحکام و زیبایی زبان نیز از دیگر معیارهای جشنواره‌هاست. معمولاً در کتاب‌های برگزیده، زبان مناسب گروه سنی مورد نظر انتخاب شده و به فراخور حوصله و ذوق مخاطب، به

انتخاب واژگان و حجم مطلب پرداخته‌اند؛ اما کتاب‌هایی هم وجود دارند که فاقد این ویژگی‌ها هستند.

۲. مخاطب‌مداری

براساس آیین‌نامه جشنواره‌ها، کتاب برتر به دنیای مخاطب، خواسته‌ها و نیازهای امروز او توجه می‌کند و تفاوت‌های فردی کودکان را به رسمیت می‌شناسد. از دیدگاه این منتقدان، محتوای اثر باید دید انتقادی و پرسشگری مخاطب را تقویت کند، زبان روان مناسب محتوا و سطح سواد مخاطب انتخاب شود و در یک کلام، قدرت اقناع و تأثیر بر مخاطب را داشته‌باشد.

۳. تصویرگری

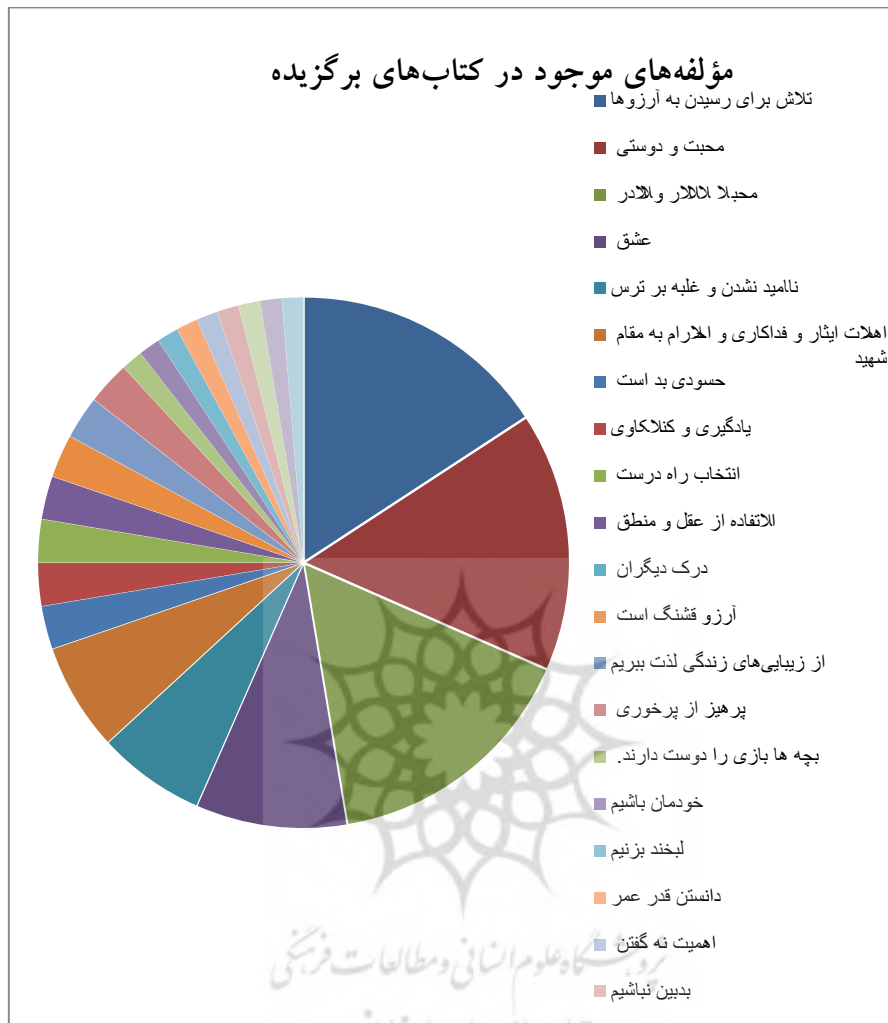
یکی از مهم‌ترین معیارهای جشنواره‌های کتاب کودک و نوجوان، این است که تصاویر، تکمیل‌کننده متن باشند یا روایت جدیدی را به آن اضافه کنند؛ برای مثال، در کتاب «برای تو»، نوشته فریده خلعت‌بری، تصویر بیشتر از متن سخن می‌گوید و اطلاعات زیادی را به خواننده کودک می‌دهد و او می‌تواند قصه‌های دیگری را از تصاویر کتاب بخواند. در کتاب‌های دیگر هم بیشتر صفحات بدون متن است و تصویر، روایت‌گر بخش‌های ناگفته در متن است.

در کتاب «بعد از زمستان در آبادی ما»، تصاویر گاهی بیشتر از متن سخن می‌گویند و گاهی کمتر از متن. در کتاب «به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند»، تصویر بیشتر از متن سخن می‌گوید؛ برای مثال در برخی از صفحات، تصویر بی‌کلام مشاهده می‌شود و مفاهیم بسیاری از طریق تصویر به مخاطبان خردسال منتقل می‌گردد. در بعضی از کتاب‌ها نیز متن بیشتر از تصویر حرف می‌زند.

۴. محتوا

در آیین‌نامه شورای کتاب کودک، درباره درون‌مایه آثار چنین گفته شده است: درون‌مایه اثر، در کل مروج ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد؛ مواردی مانند برابری، همدلی، شفقت، امید، عدالت اجتماعی، صلح، دوستی، احترام به انسان و دیگر موجودات طبیعت، رعایت حقوق انسان (دوری از انواع تبعیض جنسیتی، نژادی، مذهبی و قومی) - مخصوصاً کودکان با نیازهای ویژه - پذیرش نگاه متفاوت و مسئولیت‌پذیری» (آیین‌نامه، ۱۳۹۸: ۶).

با توجه به بررسی انجام‌شده، کتاب‌ها از نظر درون‌مایه دارای مؤلفه‌های زیر بودند:



معیارهای دیگری که در آیین‌نامه‌های گوناگون ذکر شده بود، عبارت‌اند از این که تصویر پشت و روی جلد اثر با درون‌مایه، هماهنگ باشد؛ برای مثال، کتاب «زیباترین آواز» که برای گروه سنی ج نوشته شده است، حکایت پسری است که در جست‌وجوی صاحب صدای زیبایی است و در پایان فهمید آن صدای زیبا، صدای طبیعت است که بهار آن را به ارمغان می‌آورد: بهار به آرامی آواز داد: «ای پسر خوب! پرندگان، گل‌ها، خورشید، رودخانه و زمین همگی آواز زیبایی دارند. آواز همه این‌ها با هم قشنگ‌ترین آواز دنیاست و تنها تو هستی که این قشنگ‌ترین آواز دنیا را می‌شنوی» (تقی، ۱۳۶۵: ۱۴). طرح جلد این کتاب با محتوای آن هماهنگی دارد؛ تصویر کودکی را نشان می‌دهد که در حال لذت‌بردن از طبیعت زیبای بهاری است.

جلد کتاب «زرافه من آبی است»، تصویر زرافه آبی رنگی را نشان می‌دهد که مورد علاقه شخصیت اصلی داستان است؛ تصویر جلد قصه‌های «کوتی کوتی» که از کتاب‌های پرخواننده و مورد علاقه کودکان است، با عنوان کتاب همخوانی ندارد؛ اگرچه بیانگر یکی از داستان‌ها در کتاب مزبور است. در کتاب «جشن تولد قطار و قصه‌های دیگر» نیز که حاوی چندداستان است، تصویر با نام داستان هماهنگی دارد.

کتاب «کیسه بوکس خوشمزه» حکایت موشی است که با سیبی مواجه می‌شود و سعی می‌کند بفهمد آن چیز عجیب (سیب)، چیست و به چه دردی می‌خورد. و در پایان، متوجه می‌شود که یک سیب خوشمزه است. تصویر روی جلد این کتاب، موشی را نشان می‌دهد که در حال خوردن یک سیب است و با محتوا هماهنگی دارد و بیانگر پایان داستان است. طرح جلد «لولوی قشنگ من»، تصویر لولو و بز را نشان می‌دهد که در حال رفتن به جایی هستند. در داستان نیز این دو شخصیت اصلی داستان در پی هدفی، مسیری را می‌پیمایند. طرح جلد «ماهی سیاه کوچولو»، هم ماهی را در حال رفتن به سوی هدف نشان می‌دهد.

یکی از دیگر معیارهای آیین‌نامه‌ها این بود که در آثار ترجمه، مترجم با حفظ لحن و بیان و محتوای اثر در متن و تصویر، به اصل اثر وفادار مانده و در عین حال، کتاب از نظر علمی و محتوایی ارزشمند و به ارزش‌های دینی، فرهنگی و انسانی پایبند باشد.

۵. نوآوری

طبق آیین‌نامه جشنواره‌ها، آثار باید برای نخستین بار تولید شده و پیشتر منتشر نشده باشند، درون‌مایه اثر نو بوده و در صورت تکراری بودن، با شیوه جدید و متفاوتی بیان شده باشد. تازگی و نوآوری در موضوع، ساختار، پرداخت و نگاه کتاب نیز یکی دیگر از معیارهای ارزیابی داوران جشنواره‌هاست و در حقیقت، در جشنواره‌ها آثاری مورد توجه قرار می‌گیرند که در دنیای امروز حرفی تازه و ارزشمند برای گفتن داشته باشند.

پس از بررسی کتاب‌های برگزیده، این نوآوری در ساخت و پرداخت برخی از آثار برگزیده نمود چشم‌گیری داشت و این نویسندگان توانسته بودند موضوعات ساده را به داستان‌هایی ماندگار در ذهن خواننده کودک، تبدیل کنند؛ برای مثال، نویسنده در داستان «لبخند نیلوفر»، اهمیت لبخند کودکان را به شیوه‌ای بدیع و هنرمندانه به مخاطب کودک نشان داده شده است. در داستان «قدم یازدهم» نیز ماندن در حصار عادت‌ها و ترس از قدم‌های ناگذاشته و گریز از تجربه‌های ناب، به شیوه‌ای کودکانه تقبیح شده است و پرداخت نویسنده نه تنها کودک که بزرگسال را نیز با داستان همراه کرده است؛ اما در برخی از داستان‌ها، متاسفانه هیچ نوآوری‌ای در موضوع و نحوه پرداخت موضوع دیده نمی‌شود.

داستان‌های «موش مترو»، «ماهی سیاه کوچولو» و «سفرهای کرگدن»، همگی مضمون واحد تلاش برای رسیدن به اهداف و نترسیدن از موانع و خطرات را دنبال می‌کنند؛ اما در هر داستانی این مضمون به شیوهٔ متفاوتی پرداخت شده که برای مخاطبان جذاب و خواندنی است. در داستان «بوقی که خروسک گرفته بود»، نویسنده برای آموزش تفکر خلاق به کودکان، داستان دوستی یک تابلوی ممنوع، که معلوم نیست از چه چیزی ممنوع می‌کند، و بوق بدون صدا را خلق می‌کند که در نهایت با همفکری هم به یک تابلوی بوق زدن ممنوع تبدیل می‌شوند. داستان‌های برگزیده، از این منظر داستان‌های خوبی هستند؛ ولی مواردی هم در میان این داستان‌ها وجود دارد که فاقد عنصر نوآوری و خلاقیت‌اند.

۶. عناصر سازندهٔ اثر

در جشنواره‌های کتاب کودک، از نویسندگان خواسته می‌شود در کتاب‌سازی به نقش صفحهٔ عنوان، صفحهٔ ورودی، کتاب‌شناسی، فهرست مطالب و صفحه‌شمار توجه کنند. قطع، صفحه‌آرایی، نوع و اندازهٔ حروف، جنس کاغذ، صحافی، آستر بدرقه با محتوای اثر هماهنگ و مناسب گروه سنی مخاطب باشد. واژگان دشوار، مهجور، بیگانه، تخصصی، نام خاص، داده‌های تاریخی در پانویس یا آخر کتاب توضیح داده شود و اگر لازم است، چگونگی تلفظ واژه با نشانه و اعراب‌گذاری انجام شود. و «استانداردهای تالیف، تصحیح و ترجمه و پاکیزگی و آراستگی کتاب از حیث حروف چینی، صفحه‌آرایی، چاپ، صحافی و طراحی جلد» رعایت گردد (آیین‌نامه، ۱۳۹۸: ۶). به بیانی دیگر، توصیه می‌شود عناصر سازندهٔ اثر، مانند عنوان، محتوا، زبان (نحو، بیان، لحن)، تصویر، صفحه‌آرایی، کتاب‌سازی، از هماهنگی و انسجام برخوردار باشند و یکدیگر را تقویت کنند. استانداردها را در ذکر منابع و مآخذ در آثار تحقیقی و پژوهشی رعایت کنند و در صورت استفاده از منابع در تولید محتوا، منبع و در صورت لزوم، اجازه‌نامهٔ دسترسی در حاشیهٔ اثر قید گردد.

در کتاب‌های برگزیده، کتاب‌آرایی به‌درستی انجام شده است؛ برای مثال، کتاب «هی با من دوست می‌شوی؟» با توجه به گروه سنی، از قطع مناسب بهره‌مند است؛ از صفحهٔ عنوان شروع می‌شود و پس از صفحهٔ حقوقی، داستان آغاز می‌گردد. کتاب، دوزبانه است و مشخصات آن به دو زبان در صفحهٔ عنوان به چشم می‌خورد.

در این آثار، خلاقیت‌هایی هم وجود دارد؛ برای نمونه، در کتاب «به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند»، نویسنده صفحات کتاب را با خلاقیتی هنرمندانه چینش کرده است. کبوتر قبل از این که داستانش شروع شود، در عالم تخیلات خودش را می‌بیند که سوار اتوبوس می‌شود و رانندگی می‌کند؛ این در حالی است که هنوز داستان کبوتر شروع نشده است. در همین حال و در جای دیگر، راننده به اتوبوس می‌گوید: به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند! زمانی که راننده خطاب به اتوبوس می‌گوید به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند، صفحهٔ عنوان کتاب آغاز می‌شود و در صفحهٔ

شناسنامه، راننده با خیال راحت از اتوبوس دور می‌شود. اجزای پیش از متن کتاب، در این جا به پایان می‌رسد و داستان کبوتر از زمانی شروع می‌شود که می‌بیند راننده اتوبوس را ترک کرده‌است. در بعضی از کتاب‌ها هم صفحه عنوان پس از صفحه شناسنامه قرار می‌گیرد (مثلاً کتاب «زرافه من آبی است»).

کتاب‌های برگزیده بیشتر در قطع رحلی و دارای کاغذ تحریر و جلد مقوا هستند. و گاهی اندازه کتاب‌ها متفاوت است؛ مانند قطع کتاب «همه آن قایق‌های کاغذی» که خشتی بسیار بزرگ است و می‌تواند وسعت دریا را به تصویر بکشد. اندازه و نوع قلم کتاب‌ها با سلیقه گروه سنی هماهنگی دارد. در کتاب‌های «زرافه من آبی است» و «به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند»، از دست‌خط کودکان گروه سنی مخاطب استفاده شده‌است. و در کتاب‌های دیگر، از قلم «کودک» یا قلم‌های کودکان با اندازه درشت و متوسط استفاده شده‌است. اندازه قلم‌ها با محتوا و تصاویر و قطع کتاب هماهنگی قابل‌قبولی دارد؛ در کتاب «لبخند نیلوفر»، از قلم کودکان و درشت، برجسته و متناسب با متن و تصاویر استفاده شده‌است. برای کتاب‌های نوجوانان نیز از قلم مناسب برای گروه سنی نوجوان (مانند قلم نازنین) استفاده کرده‌اند. با توجه به بررسی انجام‌شده، در کتاب‌های برگزیده، عناصر و اجزا به صورت مناسب و هماهنگ با یکدیگر گزینش و چینش شده‌است.

۷. انتخاب کتاب براساس اهداف جشنواره

هر جشنواره‌ای براساس اهداف خاصی به وجود می‌آید و هدف یا اهدافی را دنبال می‌کند. بعضی از جشنواره‌ها به انتخاب کتاب در حوزه دفاع مقدس می‌پردازند؛ بنابراین، کلیه آثار بایستی مرتبط با موضوعات دفاع مقدس و منطبق با اهداف جشنواره باشد. در برخی گفته می‌شود که آثار ارائه‌شده باید منطبق با آموزه‌های ایرانی اسلامی بوده و نمایندنده فرهنگ غنی ایرانی باشد؛ اما تصویرگران کودک در زمینه به‌کارگیری نمادهای تصویری ایرانی در تصویرسازی، هیچ الزامی در استفاده از این عناصر در تصویرسازی‌ها را نمی‌پسندند و بر این عقیده‌اند هنرمندی که در ایران زندگی می‌کند، به دلیل ارتباط با دنیا نمی‌تواند خود را به مجموعه‌ای از تصاویر که شاید برای بسیاری قابل درک و فهم نباشند، محدود سازد (زین‌العابدینی، ۱۳۹۴: ۹). در نهایت می‌توان گفت، دارا بودن ارزش‌های هم‌خوان با اهداف، یکی از معیارهای ثابت در جشنواره‌ها، از جمله کتاب کودک و نوجوان است.

بدون شک اهدافی که این جشنواره‌ها در جست‌وجوی آن‌اند، اهدافی والا و بسیار ارزشمند است؛ ولی متأسفانه ادبیات را به سمت «سفارشی‌شدن» سوق می‌دهد و با سفارشی‌شدن ادبیات، جوشش جای خود را به کوشش می‌دهد و برخی از همین آثار کوششی و بعضاً معمولی، به دلیل منطبق بودن با اهداف جشنواره، در مقایسه با برخی از آثار ناب ادبی، به‌عنوان کتاب برتر برگزیده و به جامعه ادبی معرفی می‌شوند.

در این میان، بعضی از ناشران و مدیران فرهنگی نیز به دلیل نگرش‌ها و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به سفارشی‌شدن ادبیات دامن‌می‌زنند و از میان موضوعات متعدد، از موضوعات خاصی استقبال می‌کنند. «در جامعه‌ای که هنوز ادبیاتش حرفه‌ای نشده و نویسندگان و هنرمندان نه انسجام گروهی دارند و نه شخصیت مستقل حرفه‌ای، آشکار است که ابتکار عمل در دست ناشران و مدیران فرهنگی خواهد بود و آن‌ها تعیین خواهند کرد که مثلاً چه موضوعاتی برای نوشتن در اولویت هستند» (حجوانی، ۱۳۷۹).

پس از تحلیل و بررسی آثار، مؤلفه‌های دیگری نیز استخراج شد که در آیین‌نامه‌های جشنواره‌ها هیچ بندی را به خود اختصاص ندهاد بودند که اینک به‌عنوان ادامه معیارهای پیش‌گفته به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۸. تعلیم‌مداری

پس از بررسی کتاب‌های برگزیده کودک و نوجوان این نتیجه حاصل شد که اکثر این کتاب‌ها جنبه تعلیمی دارند؛ درحالی‌که بعضی از نظریه‌پردازان حوزه کودک و نوجوان بر این باورند که هدف اولیه ادبیات کودک، لذت‌بخشی به کودکان مخاطب است.

این نظریه‌پردازان بر این باورند که «خواننده وقتی نوشته‌ای را تحت عنوان داستان به دست می‌گیرد تا مطالعه کند، به‌حق انتظار دارد قبل از هرچیز داستان بخواند. به این موضوع کار ندارد که دل‌مشغولی نویسنده چیست...؛ اما این توقع را دارد که به او نارو زده نشود و به اسم داستان به او مقاله سیاسی، بحث فلسفی، موعظه اخلاقی، آموزش علمی، تبلیغ مرامی و حزبی و مانند آن ندهند؛ زیرا اگر او طالب چنین مطالبی بود، به کتاب‌های تحقیقی که در هر یک از زمینه‌های گفته‌شده، به تحریر درآمده و خیلی هم دقیق‌تر و کامل‌تر و محکم‌تر به این مسائل پرداخته‌اند، مراجعه می‌کرد. یکی از اصول بنیادی و اولیه داستان‌نویسی ... کشش‌برانگیزی و ایجاد جاذبه در نوشته است. ... نوشته‌ای را که فاقد جاذبه و کشش لازم برای خواننده باشد، نمی‌توان داستان به معنای فنی آن دانست» (سرشار، ۱۳۸۸: ۹۳).

کودک می‌خواهد داستان بخواند؛ ولی برای والدین، آموزش در اولویت قرار دارد. بنابراین، خوب است که اگر کتاب حاوی نکات آموزشی نیز هست، با زبانی کودکانه، متناسب با علایق و سلیقه کودک و به‌گونه‌ای که او را جذب کند و به درون کتاب بکشد، روایت شود؛ تا هم هدف از نوشتن کتاب حاصل شود و هم مخاطب را قانع سازد.

۹. انتخاب کتاب براساس سلیقه داوران بزرگسال

اگرچه معیارهای انتخاب کتاب در جشنواره‌ها از پیش تعیین شده است؛ اما نمی‌توان تأثیر خوشایندبودن آثار را در حین انتخاب کتاب برتر، بر ذوق داوران بزرگسال، بی‌تأثیر دانست. گاهی بعضی از کتاب‌ها تنها به این دلیل برای داور بزرگسال جذاب هستند که حال و هوای کودکی را

برای او تداعی می‌کنند و جنبه نوستالژیک دارند. و یا ممکن است خلئی در کودکی داشته و اینک آن را در کتاب‌های کودک جست‌وجو می‌کند. گاهی هم آن‌چه را خود نداشته، برای کودکان سرزمینش می‌خواهد و آن را در کتاب‌ها می‌جوید. در حقیقت نه تنها نویسندگان کودک، که داوران کتاب‌های کودک و نوجوان نیز باید از میان کسانی انتخاب‌شوند که از خود فاصله‌گرفته و دنیای کودکی را جایگزین آن کرده‌باشند. «درونی‌شدن» می‌تواند به‌صورت ذاتی یا با تمرین و ممارست ممکن گردد. مؤلف بزرگ‌سال می‌تواند با تمرین و ممارست و ارتباط بی‌واسطه با کودکان، از «خود» فاصله بگیرد و «دنیای کودکی» را جای‌گزین کند. در این صورت، دنیای کودکی چنان در ذهن او درونی می‌شود که بدون اندیشیدن به کودک و بدون قصد و تصمیم، آفرینش هنری‌اش برای کودکان و در حد آنان خواهدبود. برخی از افراد نیز به‌طور ذاتی، از این ویژگی برخوردارند. این مؤلفان بزرگ‌سال، علی‌رغم پشت سرگذشتن سال‌های طولانی، هم‌چنان کودک می‌مانند و از پنجره‌هایی که کودک به دنیا می‌نگرد به دنیا می‌نگرند» (سیدآبادی، ۱۳۸۰: ۱۹ و ۲۰).

۱۰. نویسنده یا ناشر نام آشنا

اگرچه در آیین‌نامه اغلب جشنواره‌ها گفته می‌شود که این جشنواره بی‌توجه به نام ناشر و نویسنده و خط‌فکری و سیاسی آن‌ها، آثار را بررسی می‌کند، ولی شواهد موجود (خود کتاب‌های برگزیده) حاکی از آن است که بیشتر این کتاب‌ها عنوان ناشر و نویسنده نام آشنا را یدک می‌کشند. شاید تصور شود یک نویسنده شناخته‌شده از آن جایی که توانایی‌های بالایی دارد، همیشه می‌توان همه آثارش را تأیید کرد؛ اما واقعیت این است که این تصور همواره صادق نیست؛ چراکه به دلیل ماهیت جوششی ادبیات، گاه یک نویسنده، تنها به دلیل یک شاهکار شناخته می‌شود و دیگر آثار او می‌تواند بسیار معمولی باشد. و برعکس؛ آثار بسیاری از نویسندگان به‌ظاهر معمولی پدیدمی‌آید که در جایگاهی بالاتر از آثار نویسندگان شناخته‌شده قراردارند؛ ولی در عمل، متاسفانه ناشران همان آثار معمولی نویسنده نام آشنا را چاپ می‌کنند و این آثار، برنده جایزه‌های متعددی نیز می‌شوند. البته این موضوع را نمی‌توان به همه جشنواره‌ها نسبت داد؛ اما به‌جرات می‌توان گفت که اعتبار نام نویسنده سرشناس، در حین بررسی آثار، به‌صورت ناخودآگاه بر ذهن داوران تأثیرگذار خواهدبود.

نتیجه‌گیری

بررسی آزمون سراسری در گروه‌های آزمایشی پنجگانه، نشان داد که در بخش دستور زبان بر خلاف آنچه منطقی به نظر می‌رسد، اغلب سؤالات گروه‌های هنر و زبان‌های خارجی از سایر گروه‌ها و نیز از محتوای ارائه‌شده در کتاب‌های فارسی دشوارتر است؛ اما در بخش بلاغت، این تفاوت کمتر است. انطباق سؤالات با محتوای کتاب‌ها در این قلمرو نشان می‌دهد جز در یک مورد که در گروه زبان از ایهام تناسب سؤال شده در حالی که این آرایه در کتاب درسی معرفی نشده، بقیهٔ مباحث در کتاب درسی آموزش داده‌شده؛ اما آنچه موجب ضعف داوطلبان در پاسخگویی به سؤالات می‌شود، اختلاف سطح مثال‌های کتاب درسی با ابیات مطرح‌شده در آزمون سراسری است. در گروه آزمایشی علوم انسانی نیز سؤالات آرایه‌های ادبی و عروض و قافیه بررسی شد که نشان داد تقریباً در همهٔ موارد پرسش‌ها در سطح کتاب درسی است و مثال‌های متنوع کتاب‌های علوم و فنون ادبی می‌تواند راه‌گشای داوطلبان این رشته در پاسخگویی به این دسته از سؤالات باشد. تنها مورد قابل نقد در این آزمون که در واقع به مطالب کتاب درسی برمی‌گردد، عدم اشتغال بر سؤالات زبانی است که در نتیجهٔ آن، داوطلبان این رشته در بخش قلمرو زبانی (دستور زبان) مورد سنجشی برابر با دیگر گروه‌های آزمایشی و حتی آسان‌تر از گروه‌هایی مثل زبان و هنر قرار می‌گیرند که با توجه به اهمیت احاطهٔ ایشان بر مباحث زبانی در این رشته، مناسب به نظر نمی‌رسد. البته در قلمرو زبانی شاهد تفاوت فاحش مثال‌های کتاب درسی با ابیات و جملات مطرح‌شده در آزمون سراسری هستیم. در واقع کتاب‌های فارسی جدیدالتألیف که آموزش‌های زبانی آنان عمدتاً بر پایهٔ مثال بیانی و سؤالی است، در این بخش اغلب به مثال‌های سادهٔ منشور عاری از نکات خاص اکتفا کرده‌اند. این امر مانع درک دقیق و همه‌جانبهٔ دانش‌آموزان از نکات دستوری می‌گردد و صراحتاً آنان را به سمت کلاس‌های کنکور سوق می‌دهد. با همهٔ این‌ها، سؤالات آزمون ۹۸ در یک نگاه کلی نسبت به سال‌های قبل، بیشتر بر پایهٔ کتاب و مبتنی بر درک عمیق دانش‌آموزان از نکات زبانی است و حذف سؤالات قابل بحثی چون شمارش تعداد تکرارهاو تأکید بیشتر بر تشخیص نقش دستوری، مؤید این مسئله است. البته نقش دبیران ادبیات نیز در این مقوله بسیار حائز اهمیت است. ایشان می‌توانند با شرح آرایه‌های مهم متون مندرج در کتاب درسی، ضمن تبدیل کتاب به مجموعه‌ای از مثال‌های مفید، درک دانش‌آموزان از آرایه‌های ادبی را ارتقا بخشند.

بر پایهٔ نتایج حاصل از این پژوهش، به مؤلفان کتاب‌های درسی پیشنهاد می‌شود در بخش قلمرو زبانی و ادبی بر کمیت و کیفیت مثال‌های بررسی‌شده بیفزایند. ضروری است دانش‌آموزان در کتاب درسی با مثال‌های شعری دشوارتری در هر مبحث مواجه شوند تا در کلاس درس از

دانسته‌های دبیران خود بهره برند و برای تقویت قدرت تشخیص، نیازمند مراجعه به کتاب‌های کمک‌آموزشی و کلاس‌های کنکور نباشند. همچنین به طراحان سؤال پیشنهاد می‌شود با طرح سؤالات عمیق اما آسان‌تر از نظر شکل، توانایی واقعی دانش‌آموزان در درک مؤلفه‌های دستوری و بلاغی سنجیده شود. شیوه طرح سؤالات در آزمون‌های مورد بررسی به‌گونه‌ای است که بخش زیادی از وقت و انرژی داوطلبان صرف درک پیچیدگی‌های سؤال می‌شود. در واقع این شیوه پرسش اگرچه تا حدی هوش و مهارت‌های ادراکی داوطلبان را می‌سنجد، اما بیش از آن که احاطه آنان بر دانش زبانی و ادبی را بیازماید، بر مهارت تست‌زنی و سرعت عمل متکی است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا مشخصات کتاب‌شناسی کتاب‌های برندهٔ کودکان و نوجوانان، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ براساس کتاب‌شناسی برگ‌های ماندگار، بررسی و بعد از آن ۱۰۰ کتاب که بیشتر آن‌ها داستان بودند، انتخاب و به‌طور کامل بررسی و تحلیل شدند. پس از آن، آیین‌نامه جشنواره‌ها از سایت‌های مربوط به جشنواره یا از طریق ارتباط با کارشناسان مربوط گردآوری و معیارهای درج‌شده در آیین‌نامه‌ها استخراج شدند.

پس از بررسی کتاب‌ها و معیارهای ارزیابی آثار، این نتایج به دست آمد: الف) کتاب‌هایی به‌عنوان کتاب برگزیده معرفی می‌شوند که از نظر زبانی ساده، روان و مناسب و هماهنگ با محتوا و مخاطب باشند. ب) گرایش به ادبیات تعلیمی در آیین‌نامه‌ها و شواهد موجود در کتاب‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. پ) یکی از معیارهای مهم جشنواره‌ها که تقریباً در همهٔ آن‌ها لحاظ شده است، مسائل مربوط به کتاب‌سازی است که اهمیت جنبه‌های فنی و صوری در تولید کتاب برای کودکان و نوجوانان را نشان می‌دهد. ت) مسئلهٔ بدعت و نوآوری که در همهٔ آثار ادبی در اولویت نخستین قرار دارد، یکی از دیگر معیارهای ارزیابی در جشنواره‌های کودک و نوجوان است. ث) پایبندی به اهداف جشنواره‌ها نیز از دیگر معیارهای انتخاب کتاب برتر می‌باشد. ج) آن‌چه در آیین‌نامه جشنواره‌ها به‌عنوان معیار ارزیابی کتاب لحاظ می‌شود، همیشه در همهٔ کتاب‌های برندهٔ کودکان دیده نمی‌شود؛ چراکه گاهی معیارهای دیگری، از جمله انتخاب کتاب براساس نام نویسنده و ناشر، ملاک عمل بوده و گاهی نیز سلیقهٔ داوران بزرگ‌سالی که از کودکی خود فاصله گرفته‌اند، در انتخاب کتاب برتر دخیل است.

- برک، لورا (۱۳۹۵). روان‌شناسی رشد (جلد ۱ و ۲). ترجمهٔ یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- ثانی، یوسف (۱۳۸۷). «گزارشی از سومین جشنوارهٔ کتاب‌های برتر کودک و نوجوان». کتاب ماه کودک و نوجوان.
- حجوانی، مهدی (۱۳۷۹). «سیری در ادبیات کودک و نوجوان ایران پس از انقلاب». پژوهشنامهٔ ادبیات کودک و نوجوان، شمارهٔ پیوسته ۲۱: ۴۷-۲۵.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۷). «دیگرخوانی‌های ناگزیر؛ رویکردهای نقد و نظریهٔ ادبیات کودک». تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۳). معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک. تهران: مرکز.
- زین‌العابدینی، محسن (۱۳۹۴). «کودکان چه تصویری را در کتاب‌های خود می‌پسندند؟». پژوهشنامهٔ ادبیات کودک و نوجوان، شمارهٔ پیوسته ۶۸: ۳۳-۲۰.
- سرشار، محمدرضا (۱۳۸۸). الفبای قصه‌نویسی. تهران: پیام آزادی.
- سیدآبادی، علی‌اصغر (۱۳۸۵). «عبور از مخاطب‌شناسی سنتی؛ تأملی در شناخت مخاطب ادبیات کودک». تهران: فرهنگ‌ها
- سیدآبادی، علی‌اصغر (۱۳۸۰). «ادبیات کودکان متوسط؛ تأملی در مبحث مخاطب‌شناسی ادبیات کودکان و نوجوانان». پژوهشنامهٔ ادبیات کودکان و نوجوانان، شمارهٔ ۲۵: ۱۱-۲۰.
- شکرآبی زاهد، حمیده (۱۳۹۲). کتاب‌شناسی کتاب‌های برندهٔ کودکان و نوجوانان (۱۳۰۰-۱۳۹۰). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شورای کتاب کودک (۱۳۹۹). فهرست شورای کتاب کودک؛ جایگاه آثار و اهدای جوایز. تهران: شورای کتاب کودک.
- شورای کتاب کودک (۱۳۸۸). گزارش وضعیت ادبیات کودک و نوجوان و کتاب‌شناسی توصیفی-تحلیلی سال ۱۳۸۷، تهران: کتاب‌دار.
- قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۹۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۸). آیین‌نامهٔ اعطای جایزهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. تهران: کتاب سال.
- حدادی، هدی (۱۳۸۴). مرد آوازخوان، تصویرگر نسیم آزادی. تهران: شباویز.